

دیپلماسی علمی ایران در روابط با گرجستان

الهه کولائی^۱

استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

حمیدرضا عزیزی

استادیار پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲ - تاریخ تصویب: ۹۵/۴/۲۰)

چکیده

دیپلماسی علمی، مفهومی است که در قرن بیست و یکم و به واسطه پیشرفت‌های فناورانه در حوزه‌های مختلف دانش بشری طرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی، این مفهوم عبارت است از استفاده از همکاری‌های علمی میان ملت‌ها به‌منظور رسیدگی و حل‌وفصل چالش‌های مشترک. یکی از مسائلی که جمهوری‌های بازممانده از فروپاشی اتحاد شوروی به‌طور کلی و از جمله کشورهای منطقه قفقاز جنوبی در دوره پس از فروپاشی شوروی با آن روبه‌رو شدند، ضعف دانش و فناوری تخصصی در حوزه‌های مختلف و همچنین کمبود نیروهای متخصص در این حوزه‌ها بود که دلیل آن، به وابستگی جمهوری‌ها به مرکز اتحاد (روسیه) از نظر علمی و فناوری بازمی‌گشت. از این دیدگاه، پیشرفت‌های ایران در عرصه علم و فناوری که در عرصه بین‌المللی تأیید و تصدیق شده و زمینه شکل‌گیری دانش بومی را در حوزه‌های مختلف فراهم کرده، می‌تواند به‌عنوان یک جنبه از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در روابطش با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی مورد توجه و استفاده قرار گیرد و به‌عنوان زیربنایی برای تقویت جایگاه ایران در این کشورها و ابزاری به‌منظور تأمین هرچه بیشتر منافع ملی در رابطه با آنها به‌کار گرفته شود. مقاله حاضر تلاش دارد ضمن بررسی مفهوم دیپلماسی علمی و جایگاه آن در عرصه روابط بین‌الملل کنونی، رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به این‌گونه از دیپلماسی را مطالعه کند و به‌طور خاص، آن را در چارچوب روابط ایران با گرجستان به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بررسی کند. این مقاله نشان می‌دهد که دیپلماسی عمومی، تاکنون از دستیابی به جایگاه بایسته خود در روابط ایران با گرجستان بازممانده، اما وجود پتانسیل‌های علمی و فناوری فراوان در کشور، زمینه بالقوه‌ای را برای فعال کردن این جنبه از دیپلماسی در روابط مذکور به‌وجود آورده است.

واژگان کلیدی

دیپلماسی علمی، قفقاز جنوبی، گرجستان، همکاری‌های علمی، همکاری‌های دانشگاهی.

مقدمه

دیپلماسی علمی، مفهومی است که در قرن بیست و یکم و به واسطه پیشرفت‌های فناورانه در حوزه‌های مختلف دانش بشری طرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. به طور کلی، این مفهوم عبارت است از استفاده از همکاری‌های علمی میان ملت‌ها به منظور رسیدگی و حل و فصل چالش‌های مشترک. امروزه دیپلماسی علمی به عنوان ابزاری مناسب به منظور پل زدن میان ملت‌ها و دستیابی به منافع مشترک مورد توجه قرار می‌گیرد. بسیاری از چالش‌های جهان امروز (مسائل مربوط به غذا، آب، انرژی، محیط زیست و سلامت)، تنها در صورتی با موفقیت حل و فصل می‌شوند که دانشمندان، مهندسان و مبتکران در تدوین و اجرای راه‌حل‌ها حضور داشته باشند (CDRF Global, 2015). آنچه دیپلماسی علمی را از دیگر انواع همکاری‌های علمی بین‌المللی متمایز می‌سازد، رابطه مستقیم آن با منافع و اهداف ملی است، زیرا دیگر گونه‌های همکاری علمی گاه با هدف منفعت اقتصادی و تجاری و بدون مشارکت مستقیم دولت صورت می‌گیرد. دیپلماسی علمی بر پایه اصل منافع متقابل و اهداف مشترک بنا شده و وجود رابطه میان دو طرف، انگیزه اصلی انجام همکاری است. به طور کلی، تحقیق و توسعه در حوزه‌های علمی و فناوری به شدت سیاسی شده و کشورهای مختلف، بسیار مراقب سرمایه‌های علمی خود و درآمد گرانبهای آن هستند (Turekian & Others, 2015).

منطقه قفقاز جنوبی، منطقه‌ای است که هم به سبب مجاورت جغرافیایی و هم به واسطه پیوندهای دیرینه تاریخی با ایران، اهمیت بالقوه چشمگیری برای کشورمان دارد. هرچند کشورهای این منطقه به مدت ۷۰ سال به واسطه کنترل مرکزی مسکو، امکان ارتباط مستقل خارجی را نداشتند، طی بیش از دو دهه از زمان استقلال این کشورها تاکنون، فضای جدیدی از لحاظ ارتباطات و تعاملات بر این منطقه حاکم شده است که برای جمهوری اسلامی ایران نیز اهمیت دارد. یکی از مسائلی که جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی و از جمله کشورهای منطقه قفقاز جنوبی در دوره پس از فروپاشی شوروی با آن روبه‌رو شدند، ضعف دانش و فناوری جدید و همچنین کمبود نیروهای متخصص بود. با وجود تلاش‌های مختلف صورت گرفته در کشورهای منطقه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی، این موضوع همچنان کم و بیش در بخش‌های مختلف به چشم می‌خورد. از این دیدگاه، پیشرفت‌های ایران در عرصه علم و فناوری که در عرصه بین‌المللی مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است، می‌تواند به عنوان یک جنبه از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در روابطش با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی مورد توجه و استفاده قرار گیرد و به عنوان زیربنایی برای تقویت جایگاه ایران در این کشورها به کار رود.

با توجه به مطالب یادشده، نویسندگان ضمن بررسی مفهوم دیپلماسی علمی و جایگاه آن در عرصه روابط بین‌الملل، رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به این‌گونه از دیپلماسی را مطالعه کرده و آن را در چارچوب روابط ایران با گرجستان به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بررسی می‌کنند. بر این اساس، سؤال اصلی این نوشتار این است که فرصت‌ها و چالش‌های ایران در استفاده از ابزار دیپلماسی علمی در روابط با گرجستان چیست؟ چه اقدام‌هایی در این عرصه انجام گرفته است؟ فرضیه اصلی آنان این است که عواملی مانند ضعف علمی و فناوری گرجستان پس از اتحاد شوروی و رویکرد مثبت این کشور به روابط با ایران، زمینه مساعدی را برای ایران در حوزه دیپلماسی عمومی فراهم کرده، اما کم‌توجهی ایران به بایسته‌های این نوع دیپلماسی در کنار فشارها و محدودیت‌های بین‌المللی، سبب شده است این عامل تاکنون در روابط دو کشور نقش حاشیه‌ای داشته باشد. در این نوشتار، پس از بررسی نقش و جایگاه دیپلماسی علمی در روابط ایران با گرجستان و زمینه‌های استفاده‌نشده در این بخش، راهکارهایی برای فعال کردن این نوع دیپلماسی به‌منظور دستیابی به منافع حداکثری در روابط با این کشور ارائه می‌شود.

چارچوب مفهومی: دیپلماسی علمی

دیپلماسی علمی به معنای بهره بردن از همکاری میان ملت‌ها برای پرداختن به مسائل مشترک و همکاری سازنده در عرصه بین‌المللی است. «آکادمی جهانی علوم»^۱ که به‌طور تخصصی در این زمینه فعالیت می‌کند، در تعریف خود از این مفهوم اشاره می‌کند که دیپلماسی علمی، می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد: «زمانی که دانشمندان برای پروژه‌های چندملیتی درباره علوم فضایی یا فیزیک گرد هم می‌آیند، دولت‌های آنها توافق‌های دیپلماتیکی را برای مدیریت و تأمین مالی این پروژه‌ها تدوین می‌کنند. زمانی هم که روابط سیاسی میان دو کشور تیره یا قطع می‌شود، تلاش‌های مشترک در حوزه پژوهشی، می‌تواند به آنها ابزاری برای ادامه مذاکره و اعتمادسازی بدهد» (TWAS, 2016).

از نظر تاریخی، این مفهوم پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه جدی قرار گرفت. در این دوره، دیپلماسی علمی بیشتر به همکاری‌های آمریکا و اتحاد شوروی مربوط بود. در شرایطی که تعاملات سیاسی کشورهای مختلف، به‌ویژه آمریکا و اتحاد شوروی به بن‌بست رسیده بود، همکاری‌های حوزه‌های علم و فناوری می‌توانست ارتباط حداقلی بین این کشورها برقرار کند. در واقع، تحلیل‌گران به این نقطه رسیده بودند که علم و فناوری این ظرفیت را دارد که بین بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل، تعامل پایدار برقرار کند. پس از جنگ جهانی دوم، نهادها و

1. The World Academy of Sciences (TWAS)

سازمان‌هایی نیز ایجاد شد که در حوزه علمی و فناوری مشغول فعالیت‌اند. در این عرصه پیمان‌ها و کنوانسیون‌های مختلفی نیز به تصویب رسیده که از مشهورترین آنها می‌توان به «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (ان.پی.تی) اشاره کرد. این پیمان از یک نظر، امنیتی-سیاسی و از منظری دیگر، پیمان علمی-فناوری است که سازوکارهای دستیابی به فناوری هسته‌ای را مشخص می‌کند و سامان می‌دهد (براتی، ۱۳۹۳).

غیر از پیمان ان.پی.تی، باید دانست سازمان‌ها و نهادهای مهمی در سطح بین‌المللی و نیز در کشورهای مختلف جهان، در زمینه دیپلماسی علمی فعال‌اند. از این جمله می‌توان به «ابتکار دیپلماسی علم و فناوری» سازمان ملل اشاره کرد که هدف از آن، بسیج تخصص‌های علمی و فناوری برای توانبخشی به دیپلمات‌ها و نمایندگان کشورها و تصمیم‌گیری آگاهانه در جایی که علم و فناوری نقش مهمی ایفا می‌کند، اعلام شده است. «انجمن پیشبرد علم آمریکا» با راه‌اندازی کرسی‌های هم‌اندیشی برای دانشمندان و تحلیل‌گران سیاسی و سیاست‌گذاران، علاقه‌مند است به‌عنوان میانجی میان جوامعی که رابطه رسمی با آنها محدود است، عمل کند. «انجمن پادشاهی انگلیس» که در زمینه‌های نوظهور دیپلماسی علمی بسیار فعال است، در رابطه با کشورهای مسلمان نیز اقدام‌هایی را در زمینه دیپلماسی علمی انجام داده است. «دفتر مشاور علم و فناوری» وزارت خارجه آمریکا نیز، مشارکت با جوامع علمی ملی و بین‌المللی و ارائه مشاوره دقیق علمی و فناوری به وزارت خارجه این کشور را دنبال می‌کند (میرحسینی و دوستدار، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

در تعاریف جدیدتر از قدرت، دیپلماسی علمی در کنار مفهوم کلی‌تر دیپلماسی عمومی^۱ به‌منزله یکی از ابزارهای پیشبرد قدرت نرم کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد که می‌تواند در جهت پیشبرد اهداف و منافع دولت‌های مختلف به‌کار رود. از دید جوزف نای، طراح اصلی مفهوم قدرت نرم، همزمان با ورود به هزاره سوم میلادی و به‌دلیل تغییر ماهیت سیاست‌های بین‌المللی، منابع قدرت نیز تحول یافته و اشکال نامحسوس قدرت اهمیت بیشتری یافته است. این بعد از قدرت، چهره دوم قدرت یا قدرت نرم خوانده می‌شود که محصول و برآیند کسب اعتبار بین‌المللی و تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است (نای، ۱۳۸۷: ۴۶). با این حال، برخی مفهوم «قدرت هوشمند»^۲ که ابتدا در سال ۲۰۰۴ توسط سوزان ناسل مطرح شد (Nossel, 2004) و سپس توسط جوزف نای به‌منظور تدوین راهبردی برای سیاست خارجی ایالات متحده مورد توجه قرار گرفت، بیش از پیش کاربرد دیپلماسی علمی را مطرح می‌سازد. نای، قدرت هوشمند را توانایی ترکیب قدرت نرم و سخت در قالب یک راهبرد موفق می‌داند

1. Public Diplomacy
2. Smart Power

(Nye, 2007). نای در مقاله‌ای با ریچارد آرمیتاژ نوشت: «با در هم آمیختن قدرت نظامی و اقتصادی ایالات متحده با سرمایه‌گذاری بیشتر در قدرت نرم، واشنگتن می‌تواند چارچوبی را برای فائق آمدن بر چالش‌های دشوار جهانی به‌وجود آورد (Armitage & Nye, 2007). در برخی تعاریف، دیپلماسی علمی دارای سه حوزه تعریف می‌شود؛ نخست، علم و فناوری در دیپلماسی که در این حالت، علم در راستای شکل‌دهی و حمایت از اهداف سیاست خارجی به‌عنوان پشتوانه عمل می‌کند؛ دوم، دیپلماسی برای علم و فناوری که در این حالت، دستگاه دیپلماسی، همکاری‌های علمی و فناوری بین‌المللی را تسهیل می‌کند؛ سوم، علم و فناوری برای دیپلماسی که در این حالت، همکاری‌های علمی و فناوری، فضای روابط بین‌الملل را بهبود می‌بخشد (میرکوشش، ۱۳۹۳). در این مقاله، هر سه جنبه در پیوند یکدیگر و نوع عملکرد آنها به‌منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی مورد توجه قرار می‌گیرد.

رویکرد جمهوری اسلامی ایران به دیپلماسی علمی

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران همواره گسترش آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی را در دستور کار داشت، ریشه اقدام‌های مرتبط با دیپلماسی علمی در جمهوری اسلامی ایران را می‌توان پیش از هر چیز در چارچوب مفهوم کلی‌تر دیپلماسی فرهنگی کشور مورد توجه قرار داد. به‌طور کلی، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، کوشش و اقدام‌های طراحی‌شده و سازمان‌یافته جمهوری اسلامی برای تأثیر بر برداشت‌ها، ادراک‌ها، افکار، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها و باورهای ملت‌های دیگر از راه تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایران و انقلاب اسلامی و شناخت و درک واقعی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر برای تأمین و توسعه منافع ملی است. اهداف اصلی این نوع دیپلماسی را می‌توان بدین صورت برشمرد: ارائه ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی به‌عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ جهان؛ ارائه تصویری روشن و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی منطبق با مکتب سیاسی امام خمینی؛ تصویرسازی از ایرانی پیشرفته و تحول‌خواه در عرصه‌های علم و سیاست و فرهنگ، به‌گونه‌ای که تبلیغ سنت‌ها، باورها، تاریخ، پیشرفت‌های علمی، فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانیان برای سایر ملل، ذیل آن تعریف می‌شود. حوزه عمل دیپلماسی فرهنگی در عرصه فرهنگ ملموس و غیرملموس بسیار وسیع است و عرصه‌های علم و فناوری و آموزش و رسانه را در برمی‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی و رستگاری یردی، ۱۳۹۴: ۶۴-۶۳).

جمهوری اسلامی ایران توانست از سال‌های نخستین انقلاب پرشور و در سال‌های میانی به شکلی متعادل‌تر، فضای بین‌المللی را از دیدگاه‌ها و نگرش‌های آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه خویش متأثر سازد. تلاش برای تأثیر بر کشورهایایی که در حوزه تمدنی ایران

قرار داشتند، به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به موازات تأثیر ایدئولوژیک و مذهبی گسترش چندانی نیافت. برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها، مبادلات دانشجویی، همفکری‌های علمی، اجرای پروژه‌های مشترک فرهنگی و تقویت صنعت گردشگری صورت پذیرفت. به مرور زمان و طرح نشدن ابتکارهای جدید در این برنامه‌ها، بسیاری از طرح‌ها نیمه‌کاره رها شد یا در صورت تداوم، از میزان تأثیر واقعی آن به‌شدت کاسته شد (گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

با این حال رویکرد مشخص ایران به دیپلماسی علمی به‌عنوان ابزاری متمایز در سیاست خارجی، به اواخر دهه ۱۳۷۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که نخستین تلاش‌های جدی برای تقویت مراودات علمی با دنیا آغاز شد. دولت اصلاحات تلاش کرد روابط بین‌المللی دانشگاه‌های بزرگ را بهبود بخشد. برخی دانشگاه‌ها به موفقیت‌های علمی در این عرصه دست یافتند. با روی کار آمدن دولت اصول‌گرا و در نیمه دهه ۱۳۸۰، با افزایش تنش‌های سیاسی میان ایران و کشورهای غربی، دیپلماسی علمی هم تحت تأثیر سیاست‌های دولت قرار گرفت و با اعمال تحریم‌ها، ارتباطات علمی ایران با دنیا محدودتر شد. چالش‌های ایران در این عرصه به‌حدی بود که برخی مجله‌های معتبر بین‌المللی از چاپ مقاله‌های استادان و دانشجویان ایرانی پرهیز می‌کردند. با این حال، روند حل‌وفصل تنش‌های سیاسی ایران با غرب و به‌طور مشخص، رسیدن به توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ در تابستان ۲۰۱۵، سبب شد به موازات گشایش در فضای کلی سیاست خارجی و دیپلماسی کشور، محدودیت‌های مبادلات علمی و کاربست دیپلماسی علمی کشور نیز به‌سرعت کاهش یابد (هاشمی، ۱۳۹۴). در موضوع تأثیر توافق هسته‌ای بر بهبود فضای دیپلماسی علمی ایران، آمارهای وزارت علوم ایران نشان می‌دهد سه ماه پس از امضای این توافق، ۲۱ هیأت بلندپایه علمی و فناوری از کشورهای مختلف جهان از جمله آلمان، اتریش، ایتالیا، ژاپن، فرانسه، سوئیس و نهادهای بین‌المللی مانند مؤسسه ماکس پلانک آلمان و مراکز تحقیقاتی کشورهای آسیایی مانند چین، ژاپن و کره جنوبی با سفر به ایران، با دانشگاه‌های ایرانی تفاهم‌نامه‌های همکاری امضا کردند (ایسنا، ۱۳۹۴/۸/۳).

به‌طور کلی، باید گفت که از مجموعه اقدام‌های انجام‌گرفته از سوی جمهوری اسلامی ایران در عرصه دیپلماسی علمی، می‌توان شش جنبه متمایز و در همان حال، به‌هم‌پیوسته را شناسایی کرد (محسنی سهی و محسنی سهی، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۲):

۱. جنبه فرهنگی: شامل مؤلفه‌های برنامه‌های آموزشی و تعامل‌های بین‌فرهنگی، اعزام سفیران فرهنگی از دانشگاهیان و نخبگان فرهنگی به دیگر دانشگاه‌های جهان، اعزام ریزن‌های علمی به خارج از کشور، ارتباط با کرسی‌های اسلام‌شناسی، برگزاری کرسی‌های ایران‌شناسی و حمایت از کرسی‌های زبان فارسی در خارج کشور و زبان‌های مهم خارجی در ایران.

۲. جنبه پژوهشی: کتاب‌های مشترک دانشگاهی به زبان‌های بین‌المللی، برگزاری همایش‌های بین‌المللی مشترک، پروژه‌های پژوهشی مشترک با دانشگاه‌های بین‌المللی، ایجاد کرسی‌های بین‌المللی آموزشی و پژوهشی، تشکیل پارک‌ها، مراکز رشد و قطب‌های علمی منطقه‌ای و بین‌المللی، راه‌اندازی مجله‌های پژوهشی بین‌المللی و تأسیس مراکز تحقیق و توسعه علمی بین‌المللی.
۳. جنبه آموزشی: شامل مؤلفه‌های برنامه‌های درسی مشترک دانشگاهی، برگزاری آزمون‌های بین‌المللی، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مشترک بین‌المللی، ایجاد دانشگاه‌های مجازی و آموزش از راه دور بین‌المللی، مبادله محتوای آموزشی و دیگر اطلاعات علمی و ایجاد رشته‌های مشترک دانشگاهی.
۴. جنبه اجرایی: شامل مؤلفه‌های ارتباط با ایرانیان مقیم کشورهای دیگر، دادن مدارک تحصیلی مشترک با دانشگاه‌های بین‌المللی، عضویت و مشارکت فعال در سازمان‌ها و انجمن‌های علمی - بین‌المللی، مبادله و تعامل‌های علمی و پژوهشی از طریق پایگاه‌های مجازی، بستن و اجرای قراردادهای و تفاهم‌نامه‌های علمی، آموزشی و فنی، تأسیس دانشگاه‌های مشترک بین‌المللی و ایجاد شعبه‌های دانشگاهی در دیگر کشورها.
۵. جنبه نیروی انسانی: شامل مؤلفه‌های اعزام دانشجویان به خارج از کشور (بورسیه)، جذب دانشجویان خارجی، تسلط دانشگاهیان بر زبان‌های مهم خارجی، جذب اعضای هیأت علمی خارجی، اعزام اعضای هیأت علمی برای تدریس در دانشگاه‌های خارج از کشور به صورت مدعو، اعطای فرصت مطالعاتی به اعضای هیأت علمی و دادن فرصت مطالعاتی به دانشجویان.
۶. جنبه رفاهی: شامل مؤلفه‌های اعطای تسهیلات دانشجویی برای ویزا، اقامت، اجازه کار و... دادن جوایز علمی مشترک بین‌المللی.

نگاهی به روابط ایران و گرجستان پس از فروپاشی شوروی

گرجستان همواره بخشی از صحنه معادلات ژئوپلیتیک قفقاز و دریای سیاه بوده که با توجه به تأثیرگذاری در قفقاز جنوبی و رقابت قدرت‌های گوناگون در این منطقه، همواره پیش و پس از شوروی، مورد توجه بازیگران قدرتمند بوده است. در اصل ورود به قفقاز از اروپا، از مسیر دریای سیاه که سواحل شرقی آن سراسر مرزهای غربی گرجستان را تشکیل می‌دهد، انجام می‌گیرد. از نظر ژئواکونومیک، گرجستان منبع اصلی دسترسی به دریای سیاه، نزدیک به منابع نفتی دیگر همسایگان، پل ژئوپلیتیکی برای اتصال دریای خزر به دریای سیاه، قرار گرفتن در معادلات راهروی شرق به غرب و تا حدودی جنوب به شمال، عامل موازنه امنیتی میان

ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز نقطه تعادل میان روسیه، ترکیه و ایران، میان قدرت‌های منطقه‌ای و حوزه کشمکش استراتژیک روسیه، اروپا و آمریکا بوده است (کلینی، ۱۳۹۰: ۱۹).

گرجستان برای تأمین ثبات ژئوپلیتیکی در قفقاز اهمیت ویژه‌ای دارد. ایران و گرجستان چالش‌های ژئوپلیتیکی شبیه به هم دارند. هر دو کشور همسایه روسیه هستند. ایران از راه آبی و حوزه دریای خزر با روسیه همسایه است و گرجستان از راه خشکی و گذرگاه‌های کوهستانی قفقاز و نیز در حوزه دریای سیاه با روسیه هم‌مرز است. برای تفلیس این نکته مهم است که چگونه سیاست‌های منطقه‌ای خود را با پیگیری مناسبات خود با بازیگران فرامنطقه‌ای و به‌ویژه آمریکا تنظیم کند؛ به‌گونه‌ای که روابط دوستانه همسایگی با روسیه هم حفظ شود. با این حال در منافع تاکتیکی و میان‌مدت ایران و گرجستان دوگانگی پدیدار شده است. آمریکا پس از افغانستان و عراق، به آسیای مرکزی و قفقاز و به‌ویژه گرجستان و حوزه دریای سیاه توجه بیشتری نشان داده است. این رویکرد آمریکا در ادامه توسعه ناتو به سوی شرق، زمینه همراهی سیاست‌های ایران با روسیه در برابر گرجستان را در پی داشته است (کولایی، ۱۳۸۹: ۹۰).

در مقایسه با دو کشور دیگر قفقاز جنوبی، گرجستان پس از استقلال، روابط گسترده‌ای با ایران نداشته است. نبود مرز مشترک میان ایران و گرجستان، از عوامل ژئوپلیتیکی در محدود بودن روابط این دو کشور بوده است. در فوریه ۱۹۹۲ در سفر ادوارد شوارنادزه، رئیس‌جمهور وقت گرجستان به ایران، بیانیه اصول همکاری‌های ایران و گرجستان به امضای رؤسای جمهور دو کشور رسید. در این بیانیه بر همکاری دو کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی و نیز ایجاد روابط اقتصادی میان ایران و گرجستان در زمینه‌های گاز، حمل‌ونقل، تجارت و نیز ایجاد مقدمات ارتباط دریای سیاه و دریای خزر و خلیج فارس تأکید شد (اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۳: ۱۴).

روابط ایران و گرجستان همواره با حساسیت آمریکا و اسرائیل مواجه بوده است (Cornel 2003). سفیر آمریکا در گرجستان در سال ۲۰۰۶ در این مورد گفت: «واشنگتن با برقراری روابط استراتژیک ایران و گرجستان مخالف است» (آفتاب یزد، ۱۳۸۵). در زمستان ۲۰۰۰ حساسیت اسرائیل نسبت به روابط ایران و گرجستان به‌گونه‌ای آشکار مطرح شد. در پی انتشار خبر اعزام ۵۰ کارشناس گرجی برای تعمیر هواپیماهای ایران، دولت اسرائیل گرجستان را تهدید کرد در صورت صدور هواپیما به ایران، از ادامه همکاری خودداری خواهد کرد (سیاست روز، ۱۳۸۱: ۳).

سپس شوارنادزه اعلام کرد کشورش قصد ندارد هواپیماهای سوخو ۲۵ خود را به ایران بفروشد (خراسان، ۱۳۸۱: ۱۶). پس از وقوع «انقلاب گل سرخ» در گرجستان، ایران واکنشی تأییدآمیز اما با احتیاط در مورد آن نشان داد. سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری وقت هم در پیامی به میخائیل ساکاشویلی، انتخاب وی را به‌عنوان رئیس‌جمهور گرجستان تبریک گفت (شرق، ۱۳۸۲: ۵).

در مجموع، تا سال ۲۰۰۶، روابط گرجستان و ایران تقریباً در حالت رکود قرار داشت. هنگامی که روسیه در سال ۲۰۰۶ تحریم‌های شدید اقتصادی علیه گرجستان اعمال کرد و قیمت گاز ارسالی خود از ۱۱۰ دلار در هر متر مکعب را به ۲۳۰ دلار افزایش داد که به قطع عرضه گاز به گرجستان منجر شد، جمهوری اسلامی ایران گامی جسورانه در حمایت از گرجستان برداشت و گاز ایران را به‌عنوان جایگزین، برای کمک به گرجستان به این کشور فرستاد (Chitadze, 2011: 620). با این حال، تفلیس به‌سبب نگرانی و مخالفت واشنگتن، با درخواست تهران برای ارتقای روابط و نزدیکی بیشتر تهران-تفلیس روی خوش نشان نداد. به هر حال گرجستان نگران بود که ایران در این روابط، ملاحظات مسکو را در نظر داشته باشد.

در سال ۲۰۰۸ نیز هنگامی که گرجستان با استرداد یک شهروند ایرانی به ایالات متحده به اتهام قاچاق، پول‌شویی و توطئه موافقت کرد، این موضوع در تهران عملی ضدایرانی ارزیابی شد و چشم‌انداز توسعه روابط را تیره کرد. اما در همان سال، روابط ایران و گرجستان دستخوش دگرگونی مهمی شد و نشان داد نگاه ایران به گرجستان براساس واقعیت‌های منطقه و عمل‌گرایانه بوده و مبتنی بر ملاحظات مسکو نیست. در هشتم اوت ۲۰۰۸ و با تهاجم نظامی گرجستان به تسخینوالی^۱، مرکز استان خودمختار اوستیای جنوبی و همزمان با آغاز بازی‌های المپیک پکن، روسیه با قدرت با دولت مرکزی گرجستان وارد جنگی پنج‌روزه شد و این مناطق را از قلمرو حاکمیت گرجستان جدا کرد. در واقع، در پی حمله روسیه و انفعال غرب در این بحران، مقام‌های تفلیس متوجه شدند نمی‌توانند به حمایت غرب برای امنیت خود تکیه کنند. از همین رو، توسعه روابط با قدرت‌های منطقه‌ای، برای منافع امنیتی و حیاتی آن در دستور کار تفلیس قرار گرفت. در نتیجه، هدف دیپلماسی گرجستان پس از بحران ۲۰۰۸، ایجاد تعادل مناسب از قدرت در منطقه و تنوع در سیاست خارجی خود بود که شامل افزایش روابط خود با جمهوری اسلامی ایران شد (Nodia, 2011). در واقع، اعتبار و تصویر ایران زمانی در گرجستان بهبود یافت که برخلاف انتظار، ایران استقلال مناطق جدایی‌طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا را به رسمیت نشناخت و تمامیت ارضی گرجستان را تأیید کرد.

در روابط ایران و گرجستان تاکنون جنبه اقتصادی بر دیگر جنبه‌های ارجحیت داشته است. در این میان، صدور گاز ایران به گرجستان یکی از محورهای اصلی روابط اقتصادی دو کشور بوده، زیرا پس از فروپاشی شوروی، گرجستان در تأمین سوخت مصرفی خود با مشکلات فراوانی مواجه شد (Egiazarian, 2006). تلاش‌های گرجستان برای حل این مشکل، موجب شد در روابط اقتصادی ایران و گرجستان، صادرات گاز جایگاهی ویژه پیدا کند. در ژوئن ۱۹۹۲ در سفر نخست‌وزیر گرجستان به ایران، یادداشت تفاهمی در این زمینه میان دو کشور امضا شد

1. Tskhinvali.

(اطلاعات، ۱۳۷۱: ۳). تلویزیون مسکو خبر داد گرجستان در برابر تحویل مواد شیمیایی، مواد معدنی و سایر مواد خام به ایران، ۲۰۰ میلیارد متر مکعب گاز از ایران تحویل خواهد گرفت (اطلاعات، ۱۳۷۱: ۳). ناتوانی گرجستان در بازپرداخت دیون خود به ایران، مانع اصلی توسعه صادرات گاز ایران به گرجستان بوده است. مشکلات گرجستان در پرداخت دیون خود به ایران ادامه یافت. در پی سفر ساکاشویلی به تهران اعلام شد این کشور مقدمات آغاز صدور گاز ایران را از ژانویه ۲۰۰۵ فراهم کرده است. وی هدف از این اقدام را تضمین امنیت انرژی گرجستان و جلوگیری از وقوع هر گونه وضعیت فوق‌العاده در این کشور عنوان کرد و افزود: «گرجستان در پی این است که آب معدنی خود را در عوض گاز به ایران صادر کند (Alexander's Gas & Oil Connections, 2004).

وضع تحریم‌های بین‌المللی بر بخش انرژی ایران از سال ۲۰۱۱ بر سر موضوع هسته‌ای، بیش از پیش بر موانع در این حوزه افزود. با این حال، به فاصله اندکی پس از حصول توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ و سپس آغاز برداشته شدن تحریم‌ها، بار دیگر بحث‌هایی جدی درباره انتقال گاز ایران به گرجستان در گرفت و مذاکراتی نیز در این زمینه میان طرفین انجام پذیرفت. در اوایل ژانویه ۲۰۱۶، ایران اعلام کرد مذاکراتی با گرجستان برای انتقال گاز به این کشور از طریق ارمنستان انجام گرفته است. به گفته مسئولان ایرانی، قرار شد روزانه بین ۸ تا ۱۴ میلیون مترمکعب گاز ایران از طریق خط لوله‌ای با گذر از ارمنستان به گرجستان انتقال یابد تا برای تأمین نیازهای داخلی این کشور، به‌ویژه تولید برق، از آن استفاده شود. هدف از این طرح، تنها گرجستان بود. با این حال، این موضوع در کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفت و بحث‌ها درباره امکان توسعه این پروژه، به‌گونه‌ای که صادرات گاز ایران به اروپا را نیز شامل شود، آغاز شد (Press TV, 4/1/2016).

اما حدود دو ماه بعد و در پنجم مارس ۲۰۱۶، دولت گرجستان اعلام کرد جمهوری آذربایجان را به‌عنوان منبع تأمین گاز اضافی مورد نیاز و شریک بلندمدت خود انتخاب کرده است. با وجود این، ابراز علاقه مستمر طرفین طی سال‌های اخیر به توسعه تعاملات در این حوزه از یک سو، و چشم‌انداز توسعه طرح‌های صادراتی گاز ایران به سمت اروپا از طریق گرجستان از سوی دیگر و همچنین تحولات مثبت اخیر در روابط تهران-تفلیس (از لغو مجدد ویزای ورود به گرجستان برای شهروندان ایرانی گرفته تا توافق چندجانبه روسیه، ایران، ارمنستان و گرجستان بر سر ایجاد راهروی انرژی شمال-جنوب)، سبب شده موضوع همکاری‌های انرژی ایران و گرجستان همچنان به‌عنوان موضوعی مهم و مورد بحث باقی بماند و یکی از محورهای اصلی روابط تهران و تفلیس را به خود اختصاص دهد.

جایگاه دیپلماسی علمی در روابط ایران و گرجستان

در دوران حیات اتحاد شوروی، رویکرد تمرکزگرای حزب کمونیست بر بخش علمی و دانشگاهی نیز حاکم بود و در پی آن، نظام‌های دانشگاهی جمهوری‌های عضو اتحاد تابع سیاستگذاری‌های کلی مسکو بودند و از مرکز برنامه‌ریزی و هدایت می‌شدند. این تمرکزگرایی در حوزه دانشگاهی، در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی نیز ادامه یافت. به عبارت دیگر، تغییر در این حوزه دیرتر از بخش‌های سیاسی و اقتصادی کشور بروز یافت. با این حال، در نتیجه اصلاحاتی که از سال ۲۰۰۵ آغاز شد، تحصیلات عالی در گرجستان از یک نظام مرکزگرای مبتنی بر بودجه دولتی به یک نظام پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر تبدیل شد که در آن، دانشگاه‌های خصوصی تأسیس شده و از نقش روزافزونی در ساختار برخوردار شدند. براساس برآوردهای اتحادیه اروپا، وسعت و سرعت تغییر در نظام آموزشی گرجستان سبب شد این کشور جایگاه ممتازی را در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه به دست آورد (EACEA, 2012: 9). با این حال کشور هنوز راه زیادی تا رساندن خود به سطوح بالای آکادمیک در عرصه بین‌المللی دارد. براساس رتبه‌بندی سال ۲۰۱۶ پایگاه «وبومتریک»، تنها دو دانشگاه گرجستان در رتبه زیر ۲۰۰۰ قرار دارند و رتبه بقیه دانشگاه‌ها از ۵۰۰۰ به بالاست (Webometrics, 2016).

با این حال، این بدان معنا نیست که ظرفیت برای روابط آکادمیک میان این کشور با ایران وجود نداشته یا ندارد. با توجه به پیوندهای تاریخی و روابط فرهنگی دیرپا، دو کشور برای تشکیل اتاق‌های ایران در انستیتوی خاورشناسی و آسیا-آفریقا و دانشگاه تفلیس و کوتایسی و نیز تدوین فرهنگ گرجی-فارسی اقدام کردند. دانشگاه دولتی تفلیس دارای دو کرسی ایران‌شناسی و کرسی زبان فارسی است. در انستیتوی آسیا-آفریقا نیز ادبیات فارسی، تاریخ و فرهنگ ایران تدریس می‌شود. انستیتوی آسیا-آفریقا در تفلیس هر سال دانشجویان خارجی را برای تحصیل در دوره دکتری در حوزه مطالعات ایران می‌پذیرد. انستیتوی آسیا-آفریقا در سال ۲۰۰۵ با همکاری دانشگاه سوربن فرانسه، کنفرانسی را در حوزه مطالعات ایران برگزار کرد. زبان فارسی در سطح آموزش دانشگاهی، همچنین در دانشگاه تربیت معلم تفلیس، دانشکده ادبیات دانشگاه کوتایسی، دانشکده فلسفه و الهیات دانشگاه علوم سیاسی تفلیس و نیز انستیتو نسخ خطی وابسته به آکادمی علوم گرجستان تدریس می‌شود. برخی مدارس نیز در تفلیس زبان فارسی آموزش می‌دهند (کولایی، ۱۳۸۹: ۹۴).

اگر بخواهیم مجموعه فعالیت‌های ایران در عرصه دیپلماسی علمی را - مطابق تعریف ارائه شده - در روابط با گرجستان بررسی کنیم، باید گفت بخش عمده این فعالیت‌ها متمرکز بر ارتباطات یک یا چند نهاد یا مؤسسه مشخص با یکدیگر بوده و در تمامی سال‌های پس از فروپاشی شوروی، هیچ‌گاه نتوانسته به سطح ارتباط گسترده علمی-فناوری-دانشگاهی میان

دو کشور ارتقا پیدا کند. از سوی دیگر، در بخش عمده‌ای از سال‌های پس از استقلال گرجستان، همکاری‌های علمی تهران و تفلیس بیشتر در حد امضای برخی تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌های همکاری محدود مانده است و در عرصه عملی، شواهد چندانی از اجرایی شدن این توافق‌ها به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که رشته ایران‌شناسی از حدود یک قرن پیش مورد توجه گرجی‌ها بوده و همین موضوع می‌توانست پس از فروپاشی شوروی، زمینه مناسبی را برای توسعه روابط علمی و دانشگاهی فراهم کند.

ایران‌شناسی در گرجستان در سطح دانشگاهی، از سال ۱۹۱۸ در دانشگاه دولتی تفلیس (ایوانه جاواخیشویلی) تدریس شده و متخصصان ایران‌شناسی را آموزش داده است. مؤسسه شرق‌شناسی گرجستان وابسته به دانشگاه دولتی «ایلیا» نیز از حدود نیم قرن پیش در حوزه ایران‌شناسی فعال بوده است. با این حال، عواملی مانند از میان رفتن ارتباط دانشگاهی میان جمهوری‌های پیشین شوروی پس از فروپاشی آن، کاهش حمایت دولت از مجموعه رشته‌های شرق‌شناسی و مسائلی از این دست، سبب شد که در دوره پس از استقلال گرجستان، وقفه‌ای در این زمینه ایجاد شود (خزاعی، ۱۳۹۲). در مقابل، تا مدتی طولانی از سوی ایران نیز اقدامی جدی در راستای فعال کردن دوباره این ظرفیت بالقوه و استفاده از آن در راستای ارتقای ابزار دیپلماسی علمی کشور انجام نگرفت. فعالیت‌های انجام‌گرفته در این بخش، تنها در ۶-۵ سال اخیر نمودهایی پیدا کرده است.

از نخستین اقدام‌های جدی در این عرصه برگزاری نخستین المپیاد ادبیات فارسی در گرجستان است که با عنوان «جایزه ادبی خیام» ویژه دانشجویان منتخب این رشته از طریق رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تفلیس و با همکاری بخش زبان فارسی دانشگاه دولتی تفلیس در بهار ۲۰۱۱ برگزار شد. در این المپیاد، دانشجویانی از دانشگاه دولتی تفلیس، دانشگاه دولتی کوتایسی و دانشگاه دولتی ایلیا شرکت داشتند (فردا نیوز، ۱۳۹۰). البته پیش از آن، اقدام‌هایی در راستای همکاری برخی دانشگاه‌های ایرانی (بیشتر دانشگاه‌های واقع در استان‌های شمال غربی ایران) با هم‌تایان گرجی خود انجام گرفته بود؛ اما گستردگی المپیاد یادشده را نداشت. برای نمونه، در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰ یک تفاهم‌نامه همکاری متقابل میان دانشگاه ارومیه و دانشگاه آقماشنبلی گرجستان به امضای رؤسای این دانشگاه‌ها رسید که مبتنی بر تدارک همکاری‌های متقابل در زمینه تبادل استاد و دانشجو، برگزاری سمینارها و کنگره‌های علمی و پژوهشی مشترک و انجام پژوهش‌های دانشگاهی مشترک بود (آینا نیوز، ۱۳۸۹). از دیگر تفاهم‌نامه‌های امضا شده، می‌توان به تفاهم‌نامه همکاری علمی میان مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و انجمن فلسفی پتریسی گرجستان اشاره کرد که در ۲۳ مارس ۲۰۱۲ به امضا رسید (خبرگزاری شبستان، ۱۳۹۱).

در اواخر زمستان ۲۰۱۲، با حضور سفیر جمهوری اسلامی ایران، یادداشت تفاهم همکاری‌های علمی، آموزشی با هدف ارتقای همکاری‌های آتی دوجانبه از سوی رایزنی فرهنگی سفارت ایران با «دانشگاه گرجستان» امضا شد. این یادداشت تفاهم شامل همکاری در زمینه تدوین و تنظیم برنامه‌های تحصیلی رشته ایران‌شناسی، ارتقای دانشجویان رشته ایران‌شناسی از طریق زبان‌آموزی و دوره‌های دانش‌افزایی زبان و ادبیات فارسی و همچنین پرورش ایران‌شناسان متخصص در سطوح عالی بود (ایسا، ۱۳۹۱). در این سال‌ها، یکی از موانع جدی توسعه همکاری‌های علمی و دانشگاهی میان ایران و گرجستان، ارزشیابی نشدن بخش عمده مدارک دانشگاهی صادرشده در گرجستان از سوی ایران است، زیرا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، مدارک صادرشده از سوی بسیاری از دانشگاه‌های گرجستان را معتبر نمی‌داند.

حدود دو سال گذشته، فعالیت‌های ایران در زمینه همکاری‌ها و مبادلات دانشگاهی با گرجستان، شاهد تحرک بیشتری نسبت به گذشته بوده که بخش عمده این فعالیت‌ها، به‌وسیله یا با همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تفلیس انجام گرفته است. در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۵، شماری از دانشگاه‌های ایران با «اتحادیه دانشگاه‌های قفقاز» تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند. این تفاهم‌نامه به‌منظور گسترش همکاری‌های علمی، پژوهشی و فرهنگی دوجانبه میان دانشگاه‌های جامع علمی- کاربردی، الزهرای تهران، علامه طباطبایی تهران، محقق اردبیلی، دانشگاه علوم پزشکی و آزاد اسلامی اردبیل و اتحادیه دانشگاه‌های قفقاز در دانشگاه محقق اردبیلی به امضا رسید (ایرنا، ۱۳۹۴). پیش از آن و در ۲۰ مه ۲۰۱۵، در جریان دیدار معاون امور بین‌الملل و تبادل فناوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و معاون وزیر آموزش و علوم گرجستان، پس از تبیین فعالیت‌های فناورانه ایران و گرجستان، ایران، برای تأمین تجهیزات آزمایشگاهی گرجستان و کمک فناورانه به این کشور، اعلام آمادگی کرده بود (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۴).

در ۸ ژوئن ۲۰۱۶، همایش بین‌المللی استادان دانشگاه‌های ایران و گرجستان با موضوع «روابط ایران و گرجستان» و بررسی شرایط کنونی در توسعه و تعمیق این روابط در محل دانشگاه بین‌المللی قفقاز تفلیس برگزار شد که در آن، بحث‌هایی درباره حوزه‌های مختلف همکاری و تعامل دو کشور مطرح شد (رایزنی فرهنگی ایران در تفلیس، ۱۳۹۵). در ۱۴ اوت ۲۰۱۶، شماری از دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌های گرجستان به مدت ۱۰ روز برای شرکت در دوره دانش‌افزایی که در دانشگاه تبریز و با حضور دانشجویان از کشورهای ترکیه، آذربایجان و گرجستان برگزار می‌شد، به ایران اعزام شدند (رایزنی فرهنگی ایران در تفلیس، ۱۳۹۵). روزهای ۱۱ و ۱۲ اوت ۲۰۱۶ نیز ۲۱ تن از استادان و دانشجویان ایرانی، در

چارچوب برنامه‌های آشنایی با کشور گرجستان، به تفلیس سفر کردند (رایزنی فرهنگی ایران در تفلیس، ۱۳۹۵).

همان‌گونه‌که اشاره شد، فعالیت‌های صورت‌گرفته در زمینه مبادلات علمی و دانشگاهی ایران و گرجستان، تاکنون از حد ابتکارهای محدود خارج نشده و زمینه‌ای را برای اجرایی شدن جدی و واقعی استفاده از دیپلماسی علمی به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نکرده است. این موضوع با توجه به آمار اندک دانشجویان گرجی شاغل به تحصیل در ایران، قابل درک است که حتی نسبت به دیگر کشورهای منطقه قفقاز جنوبی نیز شمار کمتری را به خود اختصاص داده است. براساس آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران، در شهریور ۱۳۹۵ تنها دو دانشجوی گرجی در ایران مشغول به تحصیل بودند؛ یکی در مقطع کارشناسی‌ارشد و دیگری در مقطع دکتری تخصصی. این وزارتخانه همچنین شمار دانش‌آموختگان گرجی در ایران را تا آن تاریخ، تنها شش تن ذکر کرده است. شمار دانشجویان کشورهای قفقاز جنوبی در ایران براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شهریور ۱۳۹۵ (آمار دانش‌آموختگان و دانشجویان انصرافی و اخراجی مربوط به شش سال اخیر و سایر ارقام مربوط به دانشجویان شاغل به تحصیل در حال حاضر است).

فعالیت‌های رقبا

از نکات بسیار مهم در بحث از دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی و به‌طور مشخص در گرجستان، این است که ایران در این منطقه برای پیشبرد دیپلماسی عمومی به‌طور کلی و دیپلماسی علمی خود به‌طور خاص، با رقبایی جدی روبه‌روست که هر یک از آنها برنامه‌ها و دستورکارهای ویژه‌ای در این منطقه دارند. بی‌تردید در بحث از وضعیت جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی در عرصه‌های مختلف، از جمله عرصه علمی، بیش و پیش از هر چیز باید به نقش روسیه اشاره کرد. روس‌ها که با دو قرن سیطره بر منطقه قفقاز جنوبی، به انتقال ایده‌های مدرن و نظام آموزشی و دانشگاهی نوین به این منطقه اقدام کردند، هنوز هم یک بازیگر مهم و نقش‌آفرین در این عرصه در قفقاز جنوبی به‌شمار می‌روند. با این حال، در مورد خاص گرجستان، ماهیت پرفرازونشیب روابط مسکو و تفلیس - از واگرایی‌های نخستین گرجستان از سازمان کشورهای همسود تا رخداد انقلاب رنگی در این کشور در سال ۲۰۰۳ و سپس حمله نظامی شدید و گسترده روسیه به این کشور در سال ۲۰۰۸ - سبب شده به نسبت دو کشور دیگر منطقه، روسیه حضور کمرنگ‌تری در این کشور داشته باشد. مهم‌ترین عرصه فعالیت علمی روسیه در دولت‌های عضو جامعه کشورهای همسود، تأسیس شعبه‌های

دانشگاه‌های روسی در این کشورهاست. در گرجستان نیز دانشگاه اقتصاد، آمار و فناوری اطلاعات مسکو شعبه‌ای در تفلیس تأسیس کرده که زیر نظر وزارت آموزش و علوم گرجستان فعالیت می‌کند (Ministry of Education and Science of the Russian Federation, 2016).

از سوی دیگر، ایالات متحده نیز به‌عنوان یکی از رهبران قدرت نرم و دیپلماسی علمی در حوزه پیشین شوروی به‌هیچ‌وجه از بهره‌برداری از ابزار دیپلماسی عمومی و دیپلماسی علمی در جهت افزایش نفوذ خود غافل نیست. با توجه به رویکردهای قوی غرب‌گرایانه در گرجستان، فعالیت‌های آمریکا در این کشور نیز نسبت به دیگر اعضای جامعه کشورهای همسود، جدی‌تر و گسترده‌تر است. از مهم‌ترین بخش‌های دیپلماسی علمی ایالات متحده در گرجستان، اعطای بورسیه‌های گوناگون است. از جمله می‌توان به برنامه بورسیه کمیسیون دموکراسی، بورسیه دانش‌آموختگان، برنامه ترجمه کتاب، برنامه آموزش رسانه‌ها و برنامه آموزش زبان برای رسانه‌ها اشاره کرد. افزون‌بر این موارد، آمریکا برای گرجستان یک برنامه تبادل دانش‌آموختگان نیز در نظر گرفته که پس از آموزش افراد پذیرفته‌شده در این دوره، نسبت به حمایت از آنها برای به‌کار بستن مهارت‌های فراگرفته‌شده یا به‌عبارت دیگر، کمک به کارایی برای این افراد نیز اقدام می‌کند. آمریکا همچنین مراکز آموزشی و اطلاع‌رسانی پیشرفته‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز دارد. مهم‌ترین آنها «گوشه‌های آمریکایی»^۱ هستند که نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ در روسیه شکل گرفتند و در سال ۲۰۰۲ دفتر روابط عمومی دولت آمریکا تصمیم گرفت آنها را در جمهوری‌های پیشین شوروی، اروپای شرقی، مرکزی و جنوب شرقی و خاورمیانه و خاور نزدیک دایر کند. وظیفه این نهادها ترویج آگاهی در مورد سیاست خارجی آمریکا، سبک زندگی آمریکایی، کار و تحصیل در آمریکاست. در حال حاضر، ۱۰ گوشه آمریکایی در گرجستان مشغول به فعالیت‌اند (Embassy of the United States in Tbilisi, 2016).

ترکیه، دیگر بازیگر فعال در قفقاز جنوبی است که در زمینه روابط علمی و دانشگاهی با گرجستان، گام‌های مهم و شایان توجهی برداشته است. حدود ۵۰۰ دانشجوی ترکیه‌ای در گرجستان مشغول به تحصیل‌اند. دولت ترکیه نیز سالانه بین ۵۰ تا ۶۰ دانشجوی گرجی را برای تحصیل در دانشگاه‌های خود بورسیه می‌کند. افزون‌بر این، دانشکده‌های ترکیه‌شناسی در هشت دانشگاه تفلیس فعال‌اند. همچنین برخی مدارس منتخب در تفلیس و باتومی، نسبت به برگزاری دوره‌های آموزش زبان ترکی اقدام می‌کنند که سالانه حدود ۱۵۰۰ دانش‌آموز و دانشجو در آن حضور می‌یابند. همراستا با فعالیت‌های دانشگاهی و در کنار آن، مراکز فرهنگی ترکیه نیز در سفارت و نیز کنسولگری‌های این کشور در گرجستان فعال‌اند و در حوزه ترویج فرهنگ ترکیه به فعالیت می‌پردازند (Republic of Turkey Embassy in Georgia, 2016).

اسرائیل، دیگر بازیگری است که در سال‌های اخیر در عرصه‌های مختلف، از جمله در عرصه دیپلماسی علمی، فعالیت‌های خود را در گرجستان توسعه داده است. به‌طور کلی، در چند سال اخیر دیپلماسی علمی به‌عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی به‌طور ویژه مورد توجه مقام‌های اسرائیلی قرار گرفته است. اسرائیل در سال‌های اخیر در رشته‌های گوناگون پیشرفت‌های فراوانی داشته است. براساس آمار منتشرشده از سوی مرکز «یو. اس. نیوز» در سال ۲۰۱۶ سه دانشگاه وایزمن، عبری اورشلیم و تل‌آویو جزو سه دانشگاه اول منطقه و ۲۰ دانشگاه برتر آسیا قرار گرفته‌اند. یکی از سیاست‌های اسرائیل برای معرفی خود به جهانیان و به‌ویژه یهودیان ساکن در دیگر کشورها، برگزاری همایش‌های علمی- پژوهشی و تورهای بازدید علمی در سرزمین‌های اشغالی است. یکی از نهادهایی که این اقدام‌ها را انجام می‌دهد، مؤسسه تکلیت است. تکلیت از بزرگ‌ترین مؤسسه‌های مسافرتی آموزشی در جهان به‌شمار می‌رود (فارس، ۹۵). در مورد گرجستان نیز همچون بسیاری از دیگر کشورهای جهان، اسرائیل سعی دارد با بهره‌گیری از این‌گونه ابزارها، نسبت به زمینه‌سازی استفاده از دیپلماسی عمومی و در پی آن، افزایش نفوذ و تأمین منافع خود اقدام کند.

نتیجه

متحول شدن ماهیت مسائل و چالش‌های موجود پیش روی کشورهای مختلف در عرصه‌های مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و مطرح شدن روزافزون موضوع‌هایی با ماهیت پیچیده و فنی، ضرورت توسعه همکاری‌های علمی و فناورانه را برای حل‌وفصل این مسائل و تأمین هرچه بهتر منافع ملی کشورها ضروری ساخته است. در این زمینه، مفهوم «دیپلماسی علمی» به‌عنوان ابزاری که می‌تواند به‌گونه سازمان‌یافته و مشخصی این‌گونه همکاری‌ها را جلب کند و افزون‌بر آن، در راستای پیشبرد کلیت دستور کار دیپلماتیک یک کشور به‌کار رود، به شکل روزافزونی مورد توجه قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران نیز از اواخر دهه ۱۹۹۰ ضرورت استفاده از این ابزار را در چارچوب دستگاه سیاست خارجی و همچنین علمی و دانشگاهی خود مورد توجه قرار داده است. هرچند در سال‌های متمادی، وجود محدودیت‌های سیاسی در عرصه بین‌المللی به شکل تحریم‌ها بر توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی ایران نیز اثر گذاشته بود، با بازتر شدن فضا با توافق هسته‌ای، انتظار می‌رود این روند به سمت بهبود حرکت کند.

با مروری بر روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی به‌طور کلی و گرجستان به‌طور خاص، می‌توان گفت که جدا از آن دسته محدودیت‌های بین‌المللی مورد اشاره، ایران اصولاً حرکتی جدی به‌سوی استفاده از ابزار دیپلماسی علمی در تعامل خود با این منطقه نداشته است. این در

حالی است که وجود پیوندهای قوی تاریخی، فرهنگی و تمدنی با کشورهای منطقه، زمینه بالقوه بسیار مساعدی را در اختیار ایران قرار داده و تنها کاری که ایران در این عرصه نیاز دارد، برنامه‌ریزی برای بالفعل کردن این ظرفیت بوده است. در این میان، به‌طور مشخص در روابط ایران و گرجستان، شاهدیم که همکاری‌ها و تعاملات دو کشور در حوزه علمی و دانشگاهی، حتی نسبت به همکاری‌های مشابه با دو کشور دیگر منطقه قفقاز جنوبی نیز در سطح پایین‌تری قرار داشته و با جایگاه مطلوب فاصله بسیار زیادی دارد. تعاملات ایران با گرجستان در این عرصه، به‌طور کلی به امضای شماری از موافقت‌نامه‌های مجزا محدود مانده و شکل ساختاری و منسجم به خود نگرفته است. بیشتر فعالیت‌های صورت گرفته در این بخش نیز مربوط به دو - سه سال گذشته و در چارچوب رایزنی فرهنگی ایران در تفلیس بوده است. بر این اساس و با توجه به زیربنایی و ساختارمند نبودن تعامل‌ها، هیچ تضمینی وجود ندارد که با تغییر در این نهاد، همکاری‌های فعلی تداوم یابد و در آنها وقفه یا انقطاع ایجاد نشود. این در حالی است که رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، به‌ویژه آمریکا، اسرائیل و ترکیه، فعالیت‌های جدی و شایان توجهی در زمینه تعاملات علمی با گرجستان انجام داده و دارای ساختار و برنامه‌هایی جدی در این عرصه‌اند.

به این ترتیب، ضروری به نظر می‌رسد برای عقب‌نماندن ایران از رقبا که می‌تواند به از دست رفتن نفوذ کشور ما در منطقه، در مقابل افزایش روزافزون نفوذ رقبا منجر شود، فعالیت‌های مشخص و منسجم‌تری از سوی دستگاه‌های مربوط انجام گیرد. برای نمونه، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای متخصصان گرجی در رشته‌های مختلف و راه‌اندازی مدارس تابستانی برای دانش‌آموزان و دانشجویان و فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی برای دانشگاهیان این کشور باید به شکل جدی در دستور کار نهادهای ایرانی قرار گیرد. بی‌تردید همکاری و هماهنگی وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد با دستگاه سیاست خارجی در این زمینه ضروری است. در غیر این صورت، باز هم مجموعه اقدام‌های هر دستگاه، به‌صورت منفرد و مجزا و بدون ارتباط با کلیت برنامه دیپلماسی علمی کشور انجام خواهد گرفت. با شکل گرفتن عزمی جدی برای طراحی دقیق و جامع دیپلماسی علمی و اهداف آن و انعکاس این مسئله در سیاست‌گذاری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت، می‌توان در جهت ارتقای جایگاه کشور در قفقاز جنوبی حرکت کرد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۳.
۲. اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۳.
۳. اطلاعات، ۱۳۷۱/۳/۲۷.
۴. آفتاب یزد، ۱۳۸۵/۹/۷.
۵. ایرنا (۱۳۹۴/۹/۷)، «دانشگاه‌های ایران با اتحادیه دانشگاه‌های قفقاز تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند»، در: <http://www8.irna.ir/fa/News/81857047> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۶. ایسنا (۱۳۹۱/۱۲/۲۴)، «ایران و گرجستان یادداشت همکاری علمی امضا کردند»، در: <http://www.isna.ir/news/91122415772> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۷. ایسنا (۱۳۹۵/۳/۲۷)، «سهم ۲۲ درصدی ایران از دیپلماسی علمی دنیا/ تولید ۱,۹ درصد علم دنیا در کشور»، در: <http://www.isna.ir/news/95031716172> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۵/۱۲).
۸. ایسنا (۱۳۹۴/۸/۳)، «ترافیک دیپلماسی علمی در تهران/ علاقه‌مندی کشورها برای همکاری فناوری با ایران»، در: <http://www.isna.ir/news/94080300967> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۵/۱۲).
۹. آینا نیوز (۱۳۸۹/۸/۲۸)، «امضای تفاهم‌نامه همکاری بین دو دانشگاه ارومیه و آقماشنبلی گرجستان»، در: <http://www.ainanews.com/Default.aspx?tabid=1298&articleType=ArticleView&articleId=49920> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۱۰. براتی، مسعود (۱۳۹۳)، «دیپلماسی علمی چیست و چگونه محقق می‌شود؟»، خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۳۹۳/۷/۳۰، در: <http://iusnews.ir/en/print/145349> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۵/۱۲).
۱۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۹۴/۲/۳۰)، «ایران آماده تأمین تجهیزات آزمایشگاهی گرجستان است»، در: <http://dolat.ir/detail/263781> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۱۲. تسنیم (۱۳۹۴/۱۲/۱۵)، «گرجستان مشتری گاز ایران نشد»، در: <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/12/15/1019184> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۲).
۱۳. خبرگزاری شبستان (۱۳۹۱/۱/۱۶)، «گسترش همکاری علمی میان دو مؤسسه فلسفی ایران و گرجستان»، در: <http://www.shabestan.ir/detail/News/120521> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۱۴. خبرگزاری فارس (۹۵/۶/۷)، «دیپلماسی علمی رژیم صهیونیستی، ابزار و اهداف»، در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950606001780> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۹).
۱۵. خراسان، ۱۳۸۱/۱۰/۲۴.
۱۶. خزاعی، احسان (۱۳۹۲)، «روابط فرهنگی ایران و گرجستان: پتانسیل‌ها و دورنما»، حقایق قفقاز، ۱۳۹۲/۱۲/۱۲، در: <http://qafqaz.ir/fa/?p=5709> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۱۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ رستگاری یزدی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «معادله ساختاری دیپلماسی فرهنگی مطلوب در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، دانش راهبردی، سال پنجم، ش ۲۰.
۱۸. رایزنی فرهنگی ایران در تفلیس (۱۳۹۵/۳/۱۹)، «برگزاری همایش بین‌المللی اساتید در دانشگاه بین‌المللی قفقاز»، در: <http://tbilisi.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=410&pageid=30235&newsview=653166> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۱۹. رایزنی فرهنگی ایران در تفلیس (۱۳۹۵/۵/۲۱)، «سفر اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های ج. ا. ایران به تفلیس»، در: <http://tbilisi.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=410&pageid=30235&newsview=657461> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۲۰. رایزنی فرهنگی ایران در تفلیس (۱۳۹۵/۵/۲۸)، «اعزام دانشجویان رشته‌های ایران‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی به تبریز»، در: <http://tbilisi.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=410&pageid=30235&newsview=657914> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).

۲۱. سیاست روز، ۱۳۸۱/۱۱/۱۰.
۲۲. شرق، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲.
۲۳. فردا نیوز (۱۳۹۰/۲/۱)، «برگزاری اولین المپیاد ادبیات فارسی در گرجستان»، در: <http://www.fardanews.com/fa/news/144943> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۷/۲۷).
۲۴. کلینی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «اهمیت استراتژیک قفقاز»، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای گرجستان، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۲۹ آبان.
۲۵. گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۹)، «ابزارهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، ش ۲۴.
۲۶. میرحسینی، سید عبدالحمید؛ محمدی دوستدار، حسین (۱۳۹۳)، «دیپلماسی علمی به مثابه قدرت نرم»، مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، ش ۱۱.
۲۷. میرکوشش، امیرحوشنگ (۱۳۹۳)، «دیپلماسی علمی و فناوری از دیدگاه امنیت ملی»، انجمن ایرانی روابط بین‌الملل، ۱۳۹۳/۲/۱۵، در: <http://iisa.ir/fa/AnnouncementDetails.aspx?AnnouncementId=28> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۵/۱۲).
۲۸. هاشمی، هدی (۱۳۹۴)، «فرصت تازه پیش روی دیپلماسی علمی»، روزنامه ایران، ۱۳۹۴/۱۱/۳، در: <http://www.ion.ir/News/57649.html> (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۵/۱۲).

ب) خارجی

29. Alexander's Gas and Oil Connections (2004), "EIA Country Analysis: Azerbaijan", Vol. 7, No. 14, July 2002, available at: <http://www.gasandoil.com/goc/news/ntc22868.htm> (25 Nov.2009)
30. Armitage, Richard & Joseph Nye (2007), "Stop Getting Mad, America, Get Smart", The Washington Post, 12/9/2007, available at: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2007/12/05/AR2007120502254.html> (accessed on: 8/5/2016)
31. CDRF Global (2015), "About Science Diplomacy", available at: <http://www.crdfglobal.org/program-areas/science-engagement/science-diplomacy/about-science-diplomacy> (accessed on: 8/25/2015)
32. Chitadze, Nika (2011), Geopolitics, Tbilisi, ISBN 978-9991-17-328-8.
33. Cornell, Svante E. (2003), Regional Politics in Central Asia: The Changing Role of Iran, Turkey, Pakistan and China, New Delhi: SAPRA Foundation, March
34. EACEA (2012), Higher Education in Georgia, European Commission, available at: http://eacea.ec.europa.eu/tempus/participating_countries/overview/georgia_tempus_country_fiche_final.pdf (accessed on/11/29/2016)
35. Embassy of the United States in Tbilisi(2016), "Programs", available at: <https://georgia.usembassy.gov/resources.html>(accessed on: 10/20/2016)
36. Ministry of Education and Science of the Russian Federation (2016), "CIS Branches of the Russian Higher Educational Institutions", available at: <http://en.russia.edu.ru/zvuz/1067> (accessed on: 10/20/2016)
37. Nodia, Ghia (2011), "Dilemmas in Georgia's New Regional Policy", Chatham House, 16 February, available at: <http://www.chathamhouse.org.uk>
38. Nossel, Suzanne (2004), "Smart Power", Foreign Affairs, March/ April Issue, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2004-03-01/smart-power> (accessed on: 8/5/2016)
39. Nye, Joseph (2007), "Smart Power", The Huffington Post, 11/29/2007, available at: http://www.huffingtonpost.com/joseph-nye/smart-power_b_74725.html (accessed on: 8/5/2016)
40. Press TV (4/1/2016), "Iran in talks to send gas to Georgia", available at: <http://www.presstv.ir/Detail/2016/01/04/444434/Iran-gas-export-Georgia-Armenia-Kameli/> (accessed on: 10/14/2016)
41. Republic of Turkey Embassy in Georgia (2016), "Türkiye-Gürcistan İlişkileri Bilgi Notu, 19.03.2016", available at: <http://tiflis.be.mfa.gov.tr/ShowInfoNotes.aspx?ID=254502> (accessed on: 10/20/2016)

42. Turekian, Vaughan C & Others (2015), "The Emergence of Science Diplomacy", in: Lloyd S. Davis & Robert G Patman, Science Diplomacy: New Day or False Dawn? US: World Scientific
43. TWAS (2016), "Science Diplomacy", available at: <http://twas.org/science-diplomacy> (accessed on: 8/5/2016)
44. Webometrics (2016), "Ranking Web of Universities: Georgia", available at: <http://www.webometrics.info/en/Europe/Georgia%20> (accessed on: 11/29/2016)
45. Egiastian, Ashor (2006), "RoIPrirodnavaGaza v EnergetikeGruzii" available at: <http://compatriot.su/news/32100.htm> 25.10.2006 (12 Nov. 2009)